خراسان رضوی

صفحه آخر

سه‌شنبه
۱۹ مرداد ۱۳۹۵
۶ ذی‌القعده ۱۴۳۷
۸ صفحه / شماره ۳۳۵۳

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی(ع)

هر کس خوش اخلاق باشد، زندگی اش پاکیزه و گوارا می شود.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۵، ح ۵۳۷۸

شاعران خراسانی

غلامرضا بروسان

خراسان به روایت خراسان

۱۹ مرداد ماه سال ۱۳۲۹

جشن در مسجد گوهرشاد

مشهد؛ خبرنگار خراسان– پریروز ساعت ۱۱، به مناسبت اختتام مناره مسجد گوهرشاد که بر اثر زلزله قسمت فوقانی آن شکاف برداشته بود، مجلس جشنی در مسجد جامع گوهرشاد منعقد شد. آقایان علمای اعلام و جناب آقای استاندار و تیمسار فرمانده لشکر و عده ای از محترمین در مسجد جامع گوهرشاد حضور داشتند. قسمت فوقانی مناره که تعمیر شده بود، با پرده سفیدی پوشیده شده بود که پس از قرائت گزارش آقای طاهری، متولی مسجد جامع گوهرشاد، روپوش سفید از روی آن برداشته شد و مقداری از عکس هایی که قبل از تعمیر از مناره گرفته شده بود، بین حضار تقسیم گردید.

بقعه و آرامگاه شیخ محمد عارف معروف به پیر پالاندوز؛ دهه ۱۳۵۰ خورشیدی

آسفالت جاده طرقبه به وکیل آباد آغاز شد

مشهد؛ خبرنگار خراسان– دیروز یک اکیپ آسفالت که به دستگاه‌های مدرن آسفالت مجهز بوده‌اند، به اتفاق نماینده وزارت راه، آقای اطمینان، به مشهد وارد و از دیروز، از قسمت میدان طیاره و از راه شهر طوس شروع به مقدمات آسفالت نموده‌اند و نیز در نظر است به زودی آسفالت راه طرقبه تا وکیل آباد را هم شروع نمایند و قرار است این دو روزه، آقای مهندس گنجی، رئیس اداره آسفالت که در نیشابور هستند، به مشهد آمده و طبق نقشه های موجود، حدود جاده هایی که آسفالت باید بشود، به پیمانکار تحویل گردد.

پلخمون باز

طنز

*ول کن پره تاول کُنُم!
(جمله‌ای استراتژیک در زمان دعواهای بچگی)
*مامانُم روزی ۱۰ تا میسکال دره
هشت‌تاش از خنه‌یه، خودش به گوشیش زنگ زده که پیداش کنه دو تاشم بابام زده اونم واسه اینکه گوشی مامانُمه پیدا کنه تازه مگه یه آیفون باید برام بخَرن
*مورد بوده، عکس زرافه گذاشتُم بیشتر از عکس خودُم لایک خورده!
*رفتُم بانک به کارمند مُگُم: ببخشِن شما صندوق‌دار هستِن؟ گف نه؛ هاچ بگُم!
اصن اشک تو چشام جمع زَف مردم اعصابشون زیر درخت آلبالو گم شده!
*سرعت اینترنت فک کرده مو کم میارُم!
مخ دلنگون، موتوصف نونوایی سنگک بزرگ رفتوم

کلاس آموزش لهجه مشدی

طنز

خذمت شما = خدمت شما، بفرمایید
Hereyouare، Helpyourhself

مات مِنَه = خیره شدن
Gazing، Staring

مِس مِس کردن = معطل کردن
Delaying

تنور

عمو شاطر

درخواست برای زنده گیری عموشاطر...

استاندار و شهردار در بازدید از روزنامه خراسان رضوی سراغ عموشاطر را گرفتند اما از اون وری رفته بود!...

زرد قناری: پلاک مشهد

قاسم رفیعا

زن‌ها اشتباه می‌کنند اما...

پشت چراغ قرمز، یکهو در ماشین باز شد و زن و کودکی شیرجه زدند داخل.
زن زیر صندلی پنهان شده بود و مدام می گفت: حرکت کن... تورو خدا حرکت کن!
حسابی دست و پایم را گم کردم. منتظر بودم یکی یکهومثل این فیلم‌های سینمایی بپر دروی کاپوت و بگوید: دست‌ها بالا.
زن گفت: برو... برو، دربست حساب می کنم.
کلمه «دربست» را که شنیدم انگار یکهو همه چیز ری‌استارت شد. سریع پا گذاشتم روی گاز و لای ماشین‌ها لایی رفتم. خواستم اززن بپرسم که مقصدش کجاست که دیدم، های‌های زده زیر گریه‌وهی دستمال کاغذی‌هایی را که پشت شیشه عقب گذاشته بودم و کار کرد صرفا تزئینی داشت و خودم حتی یک بار از شان استفاده نکرده بودم، مچاله می کند.
دلم به حال دختربچه همراهش سوخت که مات رفتار مادرش مانده بود. پرسیدم: آبجی چیزی شده؟
زن شروع کرد با خودش حرف زدن؛ «صد بار گفتم این مرد یه ریگی تو کفشه، هی ننه بابام گفتن نه تو توهم زدی، محسن آقا گُله، محسن آقا اهل زندگیه. ببین برات النگو خرید...
چنان خشمی در چشمان زن موج می‌زد که احتمال دادم الان یک حرکت «اژدهای بروسلی» را روی من پیاده می کند، پس سریع دلداری‌اش دادم: حالا مگه چی شده خانم؟ اتفاقی افتاده؟
–بله! مرتیکه معلوم نیست سر بولوار وکیل آباد منتظر کی ایستاده بود. لابد... (از این جای صحبت‌هایش مثبت ۱۸ بود و چون خانواده نشسته از انعکاسش معذورم)
سریع گفتم: حالا از کجا می دونید؟ شاید کار داشته... نباید با اولین اتفاق بدترین احتمال رو داد.
–آره دیگه... شما آقایون لابد برای قرار کاریه که لباس عوض می کنین و تیپ می‌زنین و با اُدکلن دوش می گیرین. غیر ممکنه حس ششم مارنا اشتباه بکنه...!
–الان تمام مدارک شما همیناست؟ خانم منم هر روز میام بیرون کلی به خودم می رسم و ادکلن می‌زنم اما فقط برای احترام به خودمه... شما زنا همه‌ش سر این چیزا اشتباه می کنید.
این بار زن بود که پوز خند می‌زد. حق داشت از هیکلم بوی روغن کوکو سبزی عیال که وقت ناهار خورده بودم، بلند می‌شد و چرکی سر آستین‌هام، حتی زردقناری را هم که با کم وزیادم می‌ساخت، مشمئز می کرد.
ولی زن انگار که دلش می‌خواست همه چیز دروغ باشد، بالحنی آرام گفت: یعنی ممکنه اشتباه کرده باشم؟ افتادم دنبالش اما یهو ترسیدم منو ببینه، خوب شدندید.
پیشنهاد دادم برگردیم و ببینیم ماجرا از چه قرار است، خوشحال قبول کرد. فرمان زردقناری را چرخاندم سمت زیرگذر... کمی بالاتر از ماشین شوهرش پارک کردیم. چند دقیقه بعد یک زن جوان از یک تاکسی پیاده شد و بعد از خوش‌وبش، سوار ماشین مرد شد.
روز بد نبینید؛ مراسم شیون و زاری صندلی عقب زردقناری راه افتاد. زبانم بسته بود و خودم را لعنت می کردم که چرا پیشنهاد دادم برگردیم. چرا نگذاشتم توی تردید خودش بماند؟ اصلا همان تردید به این قطعیت دردناک می‌ارزید.
زن بالاخره حوالی چهارراه شهدا پیاده شد. هنوز اشک می‌ریخت و در حالی که دست دختر ک را می کشید، راه افتاد سمت حرم. برای من تمام معیارهای انسانی فروریخته بود اما یه چیزی توی ذهنم هی ضربان می‌زد: حس زن‌ها هم اشتباه می کنه اما لااقل نه در این مورد!

یادداشت

حمید بنایی

نماینده مردم گناباد و بجستان در مجلس شورای اسلامی

«گناباد» و «بجستان» و درد فزاینده تشنگی

بحران آب در کشور ایران، امری جدی و نگران کننده است اما شرایط در بعضی نقاط، از مرز بحران نیز عبور کرده است. «گناباد» و «بجستان» در خطه خراسان رضوی، مدت‌هاست از خط قرمز بحران عبور کرده‌اند و چنگ تشنگی مدام بر حنجره این مناطق تنگ‌تر می‌شود.
برای مدیریت این مسئله تاکنون کار گروه ویژه‌ای در استان تشکیل شده اما مشکل همچنان به قوت خود باقی است، چرا که منابع آبی نه تنها کفاف شرایط موجود را نمی کند، بلکه کم شدن مدام بارندگی، از سطح آن‌ها می کاهد. میزان بارندگی در این شهرستان‌ها، ۶۰ میلی‌متر بوده است که پاسخگوی نیاز موجود نیست.
حدود ۲۰ سال است که شهرستان‌های گناباد و بجستان با خشکسالی روبه‌رو هستند و رو به وخامت گذاشتن همین شرایط بحرانی، این ضرورت را ایجاد می کند تا اقدامی عاجل انجام گیرد.
عمده مردم این مناطق به کشاورزی و دامداری اشتغال دارند که خشکسالی، اشتغال ایشان را با مخاطره مواجه کرده و طبیعی است که در بخش کشاورزی باید مدیریت کشت انجام گیرد؛ چون با توجه به شرایط آبی موجود، تداوم کشت بعضی محصولات بیهوده خواهد بود.
در اینجا ضرورت دارد با هدف پیشگیری از یک بحران اقتصادی، فضا و بستر اشتغال جایگزین فراهم آید. یعنی، بنگاه‌های زودبازده ایجاد و برای بخش تولید این شهرستان‌ها، بازار و تقاضا فراهم شود.
کاهش شدید سفره‌های آبی و وجود نقایصی در سیستم انتقال آب به گناباد از سدد وستی، مقولاتی است که باید به لحاظ زیرساختی اصلاح شود. اگر امروز چشم بر هم بگذاریم و این مشکل را نادیده بگیریم، فردا باید هزینه‌ای مضاعف از بابت خسارت وارده به آن بپردازیم. حقیقت آن است حتی قطع ۴۸ ساعته آب در این مراکز، بحران ایجاد خواهد کرد.
دولت مکرر از طرح‌های مدیریت بحران آب سخن به میان می‌آورد، امیدواریم این مقولات از حد شعار و وعده خارج شود و دولت و مجلس برای رفع مشکلات موجود به ویژه در بخش‌های بحرانی کشور نظیر بجستان و گناباد، همت و اقدام کنند.
یکی از مقولاتی که در مدیریت این بخش مطرح شد، عرضه کارتی آب شرب در بجستان بود. این اقدام، گامی حداقلی برای سامان بخشیدن به این حوزه به شمار می‌آمد. در مقابل دولت باید برای کیفیت بخشی به این آب نیز گام موثری بردارد.
در شهرستان گناباد نیز مطالعات خوبی درباره بحث خشکسالی انجام گرفته است. اگرچه فعلا منابع زیرزمینی، تامین کننده آب نیاز موجود است اما بحران مدت‌هاست که چهره خود را در این شهرستان نشان داده است؛ پس ضرورت دارد تا در درازمدت به دنبال تولید منابع و انتقال آب به شرق کشور باشیم؛ البته طرح‌های متعددی در این حوزه مطرح است که نوید حل بخشی از مشکل را می‌دهد. مشکل اینجاست که این طرح‌ها چه زمانی وارد مرحله اجرا می‌شود و چقدر طول می کشد که از آن‌ها بهره‌برداری شود. نباید این مهم را زیاد به تعویق انداخت چرا که مشکلاتی جدی ایجاد می کند.
افزایش اعتبارات استانی در موضوع آب مطلوب بوده است اما کافی نیست و تنها مرهمی موقتی به شمار می‌آید، به ویژه برای حوزه بجستان و گناباد که مشکلاتشان چندین برابر است و ۶۰ روستای آن‌ها با تانکر آب رسانی می‌شود.
اعتبارات حوزه استانی و ملی نیز امسال تا حدودی افزایش یافته است اما با آن نمی‌توان گامی بلند و محکم برداشت.
حقیقت آن است که در موضوع آب و خشکسالی، هنوز آن حرکت موثر منطقه‌ای رخ نداده است. یعنی عمده دغدغه‌ها متوجه کلان‌شهرها و مراکز استان‌هاست و شهرها و روستاهای دیگر، به رغم آنکه بیشترین بار بحران را تحمل می کنند اما حمایت در خور نیاز خود را دریافت نمی کنند.
اگر شرایط به همین ترتیب پیش برود؛ روستاهای بیشتری در این مناطق متروکه می‌شود، مشاغل متعددی از میان می‌رود، کشاورزی و دامداری‌ها تعطیل می‌شود و حاشیه شهر مشهد، به واسطه مهاجرت ناگزیر روستاییان، بزرگ و بزرگ‌تر خواهد شد.

مشهد — # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

طرحی بامزه از مجید خسروانجم گرافیست مشهد؛ وقتی دخترها سبیل پدرها را دود می‌دهند.

کاریکاتور جالب خبرآنلاین با موضوع شهرام جزایری و شیشلیک

کاروان خدام رضوی، پرچم بارگاه منور امام هشتم(ع) را به منزل شهید مدافع حرم مهدی قاضی خانی در شهرستان قرچک برد. نهال دختر کوچک این شهید چند ماه پیش در محضر رهبری حاضر شده بود.

تصویری از حضور پاکبانان در حرم امام رضا(ع) به دعوت آستان قدس رضوی

سودوکو [۱۸۵۳]

اعداد ۱ تا ۹ را طوری در جدول قرار دهید که در ستون‌های عمودی و افقی و نیز جداول کوچک ۹ خانه‌ای یک عدد ۲ بار تکرار نشده باشد

آسان

۸			۳		۴	۲	۱	
۱		۲		۶	۷			
۳				۲		۷		
		۱	۲		۹		۷	
				۱				
	۳		۴		۶	۸		
		۹		۳				۶
					۱			۷
	۶	۳	۱		۲			۵

متوسط

				۹	۱			۴
	۵		۲		۷	۱	۳	
							۵	۹
				۳			۷	۱
۵								۸
۷	۸			۲				
۳	۴							
	۲	۶	۳		۸		۹	
۹			۴	۵				

سخت

	۲		۷				۶	۳
		۶	۸					
	۳	۵	۲			۴		
							۲	
۱		۴				۶		۸
	۹							
		۷			۹	۲	۴	
					۲	۹		
۲	۵				۴		۷	

۱۸۵۲

متوسط

۱	۹	۷	۳	۲	۴	۶	۸	۵
۳	۶	۲	۷	۸	۵	۱	۹	۴
۴	۸	۵	۹	۱	۶	۲	۷	۳
۹	۷	۴	۲	۵	۸	۳	۶	۱
۸	۵	۶	۴	۳	۱	۹	۲	۷
۲	۳	۱	۶	۷	۹	۴	۵	۸
۷	۱	۹	۸	۴	۲	۵	۳	۶
۶	۴	۳	۵	۹	۷	۸	۱	۲
۵	۲	۸	۱	۶	۳	۷	۴	۹

سخت

۷	۱	۹	۲	۳	۶	۵	۴	۸
۴	۵	۶	۹	۷	۸	۳	۲	۱
۳	۲	۸	۵	۴	۱	۹	۶	۷
۹	۳	۱	۸	۲	۵	۴	۷	۶
۶	۸	۴	۱	۷	۹	۲	۵	۳
۲	۷	۵	۴	۶	۳	۸	۱	۹
۱	۶	۷	۳	۸	۴	۱	۹	۵
۸	۴	۳	۶	۵	۷	۹	۱	۲
۵	۹	۲	۱	۹	۲	۶	۸	۴